



## اهتزاز چندباره پرچم اعتراض متشکل در نفت



روز پنجشنبه بیست مرداد، اعتصاب پرسنل رسمی نفت شاغل در واحدهای عملیاتی و ستادی با خواست‌های مشخصی که از پیش اعلام شده بود، به‌طور همزمان در چندین واحد آغاز شد. در رأس این خواست‌ها، اجرای کامل ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت قرار دارد که اجرای آن از سال ۹۳ تاکنون به تعویق افتاده است. "شورای همبستگی کارکنان رسمی نفت" که فراخوان دهنده اعتصاب بود اعلام کرد: اعتراض در محل کار تا ۲۴ مرداد ادامه خواهد در صفحه ۳

### مبارزات زنان ادامه دارد،

### شکست های دیگری برای رژیم در راه است

خبرگزاری صدا و سیما در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۴۰۱، به نقل از دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر با بیان اینکه اجرای طرح "عفاف و حجاب" به صورت تاکتونی دیگر ممکن نیست، از روی آوری جمهوری اسلامی به شیوه ی جدیدی از سرکوب خبر داد و گفت: "در طرح [جدید] عفاف و حجاب ستاد، بدحجاب دیگر مجرم نیست بلکه متخلف است و به جای پرونده سازی و مجازات هایی که در قانون آمده است، شخص [متخلف] جریمه نقدی می شود".

بیان این سخنان، چیزی جز اعتراف صریح مدیر کل ستاد امر به معروف و نهی از منکر به شکست رژیم در مقابله با موج روز افزون کارزار خیابانی زنان علیه پوشش اجباری نیست. پذیرش این شکست برای جمهوری اسلامی تا بدان حد سنگین و خفت بار بود، که دبیر ستاد در صفحه ۸

مبارزه و مقاومت زنان ایران علیه سرکوب و بی حقوقی و تبعیضات جنسیتی تحمل شده بر آنان، که این روزها با اقدام عملی نفی حجاب اجباری در کوچه و خیابان و محلات شکل علنی به خود گرفته است، جمهوری اسلامی را به استیصال و عقب نشینی از رویارویی مستقیم و خیابانی با زنان ایران کشانده است.

نخستین بازتاب این عقب نشینی خفت بار رژیم، با اعتراف صریح دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر، طی روزهای گذشته رقم خورده است. هاشمی گلپایگانی با بیان اینکه "بدحجاب دیگر مجرم نیست"، و اجرای طرح "عفاف و حجاب" به شیوه کنونی و با گسیل گشت ارشاد در خیابان ها دیگر پاسخگوی مقابله با "بدحجابی" نیست، عملاً بر شکست جمهوری اسلامی در اجرای طرح "عفاف و حجاب" به شیوه گذشته صحه گذاشت.

### شهرهایی با مردمانی تشنه

از "آب، آب" و "تنها کف خیابون بدست می‌آد حق‌مون" تا "مرگ بر رئیسی" شعار این روزهای تشنگی مردم زحمتکش و ستم‌دیدهی شهرکرد بود. مردمی که در گذشته مشکلی به نام بی‌آبی نداشتند، اما در سال‌های اخیر در پی بروز معضل آب، بارها به خیابان آمدند تا حق خود را بگیرند. این بار اما شهرکرد تشنه‌تر از همیشه بود. شهری که مرکز استان است اما مردمش از ۱۷ مرداد حتا از آب آشامیدنی محروم شدند.

در صفحه ۵

### آمستردام - برگزاری مراسم یادمان

### جان‌فشاندگان دهه شصت و به‌ویژه سال ۶۷

۶

## توافق صورت گرفت. بعد چه؟

گزارش‌های خبرگزاری‌های بین‌المللی و اظهار نظر مقامات درگیر در پرونده احیای برجام در طول چند روز اخیر، حاکی است که توافق بر سر احیای برجام به مرحله نهایی رسیده و آنچه بر جای مانده حواشی مذاکرات برای امضای نهایی توافق نامه است.

در پی پاسخ جمهوری اسلامی به پیش‌نویس نهایی توافق بر سر احیای برجام، در اواسط هفته گذشته اتحادیه اروپا این پاسخ را سازنده اعلام کرد.

ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز روز سه‌شنبه در کنفرانسی خبری گفت: "ما از مسائل بزرگ بر سر از سرگیری پابندی‌ها به برجام توسط ایران و رفع تحریم‌ها توسط آمریکا عبور کرده‌ایم. ما باور داریم که مشکلات بزرگ عمدتاً حل‌وفصل شده‌اند.

مهم برای ما و دیگران از جمله اتحادیه اروپا و اسرائیل این است که ایران به سلاح هسته‌ای دست نیابد. اگر ایران دارای یک سلاح هسته‌ای باشد این‌یک خطر برای ما و تمام جامعه جهانی خواهد بود."

روز چهارشنبه نیز سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه در گفت‌وگویی با خبرگزاری تاس گفت: کار در فرمت وین بر سر احیای برجام در خط پایانی است.

خامنه‌ای بالاخره تصمیمش را گرفته بود و مانع، از سر راه توافقات و احیای برجام برداشته شده بود. روز دوشنبه ۲۴ مرداد جلسه فوق‌العاده شورای عالی امنیت ملی رژیم به ریاست ابراهیم رئیسی، با حضور وزیر خارجه و مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی تشکیل شد تا پاسخ رسمی رژیم به طرح پیشنهادی جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برای احیای برجام را بدهد و موافقت رسمی جمهوری اسلامی را با طرح اتحادیه اروپا اعلام کند. سپس دبیر شورای عالی امنیت برای ایجاد هماهنگی میان ارگان‌های اصلی رژیم و توجیه آن‌ها، جلسه‌ای با نمایندگان مجلس ارتجاع و نیز جلسه جداگانه‌ای با کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی که در آن وزیر امور خارجه، رئیس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، رئیس سازمان انرژی اتمی و معاون سازمان در موضوع مذاکرات هسته‌ای نیز حضور داشتند، برگزار شد تا با اعلام موافقت خامنه‌ای و توافقات رسمی جمهوری اسلامی، مانع از هرگونه صدای مخالف به‌ویژه از سوی کسانی گردد که سال‌ها با برجام و احیای برجام مخالفت علنی کرده بودند.

در صفحه ۲

## توافق صورت گرفت. بعد چه؟

در پی جلسه غیرعلنی مجلس که با حضور شمخانی، امیر عبداللّهیان، باقری و اسلامی برگزار شد، برخی از توافقات اعلام گردید. نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: آنچه به ما توضیح داده شده این است که مذاکرات تمام‌شده و روند توافق در حال انجام است و تصمیم سیاسی ایران گرفته شده است.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز گفت: توافق شده "نفت جمهوری اسلامی ایران بدون محدودیت به فروش برسد و منابع آن به صورت بانکی و قانونی قابل دسترسی باشد تا از آن برای تأمین نیازهای کشور استفاده کنیم. همین‌طور اصول برنامه هسته‌ای ما به عنوان اساس برنامه که دست‌آورد بومی و صلح‌آمیز است، حفظ شود. نهایتاً با پذیرش محدودیت توافق سال ۲۰۱۵ مجدداً اجرائی شود. طرف مقابل اصل ارائه تضمین به جمهوری اسلامی ایران و راستی آزمایشی رفع تحریم‌ها را پذیرفته و جزئیاتی به عنوان راهکار برای آن ارائه شده و جزئی از متن مذاکرات است." او در توضیح نشست مشترک کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: "بر اساس گزارش ارائه شده، در جریان مذاکرات، هدف انتفاع اقتصادی و رفع موانع تجارت خارجی کشورمان از جمله رفع تحریم‌های غیرقانونی فروش نفت و دسترسی بانکی به منابع آن با جدیت دنبال شده و می‌شود. همچنین حفظ چارچوب برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز از اصول جمهوری اسلامی در جریان مذاکرات است. در مذاکرات هسته‌ای، طرف مقابل بر اساس منطق جمهوری اسلامی، اصل دو موضوع راستی آزمایشی رفع تحریم‌ها و ارائه تضمین را پذیرفته است و اساس توانمندی‌های هسته‌ای کشورمان حفظ خواهد شد.

تاکید شد این مذاکرات صرفاً در چارچوب برجام است و ایران مسائل غیرهسته‌ای را قابل مذاکره نمی‌داند. حل و فصل مسائل باقیمانده پادمان بین ایران و آژانس از مطالبات جدی ایران در مذاکرات است و طرف اروپایی برای آن پیشنهادهایی را ارائه داده است."

رئیس گروه حقوقی و قضایی مجلس نیز گفت: سه موضوع راستی آزمایشی، رفع تحریم‌ها و ارائه تضمین در توافق نهایی محقق شده است. وی افزود: انتظارات نمایندگان در مذاکرات هسته‌ای برآورده شده است. البته ممکن است تردید و دودلی در برخی از رسانه‌ها وجود داشته باشد، اما تردیدها و شبهات نمایندگان در مورد توافق برطرف شده و اعتماد و کلاهی ملت به تیم مذاکره‌کننده و سیاست‌هایی که در مذاکرات اعمال شده است، افزایش یافت.

سرانجام این‌که نایب‌رئیس کمیسیون اجتماعی پس از نشست غیرعلنی به ایرنا، گفت: "به تیم مذاکره‌کننده اختیار تام داده شده و نیازی نیست که توافق آن‌ها با طرف مقابل به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد."

گزارش‌های جزئی‌تر از این توافقات را خبرگزاری‌ها و مطبوعات خارجی انتشار دادند. وال‌استریت جورنال پیش‌از این گزارش داده بود که بر اساس متن پیشنهادی اتحادیه اروپا، اگر ایران به پرسش‌های آژانس پاسخ دهد، شورای حکام آژانس این پرونده را بسته و از ارسال آن به شورای امنیت

سازمان ملل خودداری خواهند کرد. به عبارت صریح‌تر، قرار است جمهوری اسلامی به نحوی مسئله را رفع‌وجوع کند و ماجرا خاتمه خواهد یافت.

روز جمعه ۲۸ مرداد، شبکه الجزیره از قول منابع آگاه اعلام کرد که برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، در چهار مرحله، در طول دو دوره ۶۰ روزه احیاء خواهد شد.

آمریکا به ایران تضمین خواهد داد که طی ۱۲۰ روز، ۵۰ میلیون بشکه نفت خود را بتواند بفروشد. علاوه بر این ۷ میلیارد دلار مسدود شده در کره جنوبی آزاد خواهد شد و تحریم‌ها علیه ۱۷ بانک و ۱۵۰ نهاد اقتصادی ایران برچیده می‌شود.

جمهوری اسلامی تضمین معافیت دو سال و نیم از تحریم‌ها را به دست می‌آورد.

آمریکا همچنین پذیرفته است که در صورت خروج مجدد از برجام، باید به ایران غرامت پرداخت کند.

به گزارش سی ان ان، ایران از خواست خود برای خروج سپاه از لیست ترور و چند شرکت وابسته به آن به عنوان بخشی از توافق کوتاه آمد، اما وعده داده شد که بعداً پیرامون آن‌ها بحث شود.

بمحض امضای توافقنامه احیاء برجام، جمهوری اسلامی اقدامات معکوس در برنامه هسته‌ای خود را شروع خواهد کرد.

گرچه به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی از این توافقات راضی است، اما دولت آمریکا به‌ویژه شخص بایدن است که به شدت از سوی حزب رقیب و متحدان منطقه‌ای‌اش به خاطر امتیازاتی که به جمهوری اسلامی داده است، زیر فشار قرار گرفته است. از همین رو، شورای امنیت ملی آمریکا ناگزیر شد اعلام کند که دولت بایدن هیچ تضمینی به جمهوری اسلامی در زمینه توقف تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و معافیت تحریمی شرکت‌های غربی فعال در ایران باهدف احیاء برجام نداده است.

شورای امنیت ملی آمریکا روز جمعه، ۲۸ مرداد در توئیتر نوشت: "ما هرگز چنین شرایطی را نمی‌پذیریم. در عین حال توافقی را هم که کارآمد بود ترک نمی‌کردیم تا الآن شاهد سرعت گرفتن برنامه اتمی ایران باشیم."

بعید است که فشارهای داخلی و یا اسرائیل که شدیداً مخالف احیاء برجام است، بتواند تغییری در سیاست بایدن ایجاد کند. بنابراین با این فرض که توافق صورت گرفته و آنچه باقی‌مانده است، تنظیم متن توافق است، باید دید که چه کسانی از آن نفع می‌برند؟

مقدم بر هر چیز باید اشاره کرد که این نزاع هسته‌ای که حالا چندین سال ادامه دارد، همانند جنگ است که دولت‌ها به خاطر اهداف و منافع اقتصادی و سیاسی خود آن را برمی‌افروزند، هر بدبختی و تلفاتی هم که در پی داشته باشد، نصیب توده‌های کارگر و زحمتکش می‌شود و هر نفعی که داشته باشد، عاید طبقات سرمایه‌دار حاکم می‌گردد.

نزاع هسته‌ای در اساس ناشی از اختلاف میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی بر سر هژمونی طلبی و اهداف اقتصادی و سیاسی طرفین در منطقه خاورمیانه بوده است. خود مسئله هسته‌ای فاقد اهمیت می‌بود، اگر اختلافات سیاسی مهمی میان این دو دولت، پشت آن نمی‌بود. چنانچه مجهز بودن

اسرائیل و یا پاکستان به سلاح هسته‌ای منجر به چنین درگیری و نزاعی نشد. وقتی که از این زاویه به مسئله نگاه کنیم بهرغم سر و صدایی که پیرامون احیاء برجام به راه افتاده است، این مسئله هیچ تضادی را حل نکرد. تنها توده‌های مردم ایران بودند که فشار بار تحریم بر دوش آن‌ها قرار گرفت و روزبه‌روز شرایط معیشتی آن‌ها وخیم‌تر شد. اکنون دوباره در همان نقطه‌ای از اختلاف و تضاد قرار گرفته‌ایم که ترامپ در آستانه به قدرت رسیدن بود. یعنی تضادی که به تحریم انجامید، سر جای خود باقی است و این احتمال هست که اگر جمهوری اسلامی همچنان به حیات خود ادامه دهد، فرضاً دو سال و نیم دیگر بازم احتمال تحریم‌ها و فراتر از تحریم‌ها وجود خواهد داشت.

بنابراین توافق احیاء برجام از زاویه اختلافات اساسی‌تر میان دولت آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن با جمهوری اسلامی، هیچ تضادی را حل نکرده، بلکه بالعکس این تضادها را تشدید خواهد کرد. چرا که جمهوری اسلامی از هیچ‌یک از اهداف خود در سیاست خارجی دست برنداشته و کماکان این سیاست را از طریق مداخله در کشورهای دیگر منطقه، تقویت گروه‌های اسلام‌گرا در خدمت اهداف توسعه‌طلبانه و هژمونی‌طلبانه خود ادامه خواهد داد. احیاء برجام باعث افزایش درآمدهای نفتی جمهوری اسلامی می‌شود و به رژیم این امکان را می‌دهد مقادیری کلان‌تری از این درآمدها را صرف توسعه ماشین نظامی خود و اهداف توسعه‌طلبانه پان اسلامیستی در خاورمیانه و حتی آفریقا کند که هم تهدیدی است برای متحدان آمریکا در خاورمیانه به‌ویژه اسرائیل که نابودی آن، یکی از اهداف جمهوری اسلامی است و هم منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا را در دیگر کشورهای منطقه مورد تهدید بیشتری قرار می‌دهد. بنابراین بی‌هیچ تردیدی، اختلاف و تضاد تشدید خواهد شد. پس نفع دولت آمریکا از تلاش برای احیاء برجام و دادن امتیازات متعدد بر سر آن در چه بود؟ احیاء برجام نفع مشخص فوری برای دولت آمریکا در بر ندارد. بایدن درواقع به استراتژی اوباما و اتحادیه اروپا برگشته که گویا اهداف درازمدت‌تری را برای مهار جمهوری اسلامی دنبال می‌کند. بر مبنای این استراتژی، جمهوری اسلامی برای حفظ نوعی از توازن منطقه‌ای که متضمن منافع قدرت‌های امپریالیست اروپایی و آمریکایی است، نباید سرنگون شود، چون اوضاع تمام منطقه را در هم خواهد ریخت. باید آن را حفظ کرد، اما جلو تبدیل‌شدن آن را به یک قدرت اتمی گرفت و در همان حال با گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی، در درازمدت آن را به یک رژیم به‌اصطلاح متعارف متحد قابل اعتماد غرب تبدیل کرد.

اما سواى دولت آمریکا، قدرت‌های دیگری که در ماجرای احیاء برجام نقش دارند، هریک به درجات مختلف از آن سود می‌برند. برای اتحادیه اروپا و انگلیس که بیش از همه برای احیاء برجام تلاش کردند، این نفع را دارد که به‌فوریت مانع صدور سرمایه و کالا برچیده خواهد شد و سودهای کلانی به جیب انحصارات این کشورها به‌ویژه در شرایطی که با معضل رکود مواجه‌اند، سرازیر خواهد شد. علاوه بر این، درحالی‌که با بحران انرژی مواجه‌اند این مشکل آن‌ها نیز تا حدودی با صدور نفت ارزان از ایران حل می‌شود. بنابراین روشن است که بیشترین سود را از معامله احیاء

## اهتزاز چندباره پرچم اعتراض متشکل در نفت



ادامه داشته است. نفت اما با سکوت سنگین سال‌های طولانی پس از سرکوب‌های خونین دهه شصت برای همیشه وداع کرده است. نفت فضای رعب و جو پلیسی و سربازخانه‌ای را برای همیشه به‌هم‌ریخته است. نفت وارد فاز جدیدی از مبارزه و تشکل یابی شده است و با هیچ اهرمی نمی‌توان آن را به دو سال قبل بازگرداند.

اعتصاب مردادماه سال جاری کارگران و کارمندان رسمی صنعت نفت و چندین اعتصاب و تجمع گسترده در دو سال گذشته، همچنین اعتصابات سراسری و شوک‌همند کارگران پروژه‌ای و پیمانی از جمله اعتصاب بیش از ۲ هزار کارگر داربست بند در بیش از ۱۴ واحد در اوایل تیرماه سال جاری که توانستند امتیازات مهمی کسب کنند، شاهد همین مدعاست. بنابراین موضوع فقط به کارمندان رسمی نفت خلاصه نمی‌شود. کارگران رسمی نفت نیز از مدت‌ها قبل در تدارک اعتصاب بودند. این کارگران در بیانیه‌ای با عنوان "خواست‌های ما کارگران رسمی نفت کدام است؟" که ۱۵ تیر سال جاری انتشار یافت، ضمن توضیح مشروح مطالبات خویش که عیناً توسط "شورای همبستگی کارکنان رسمی نفت" نیز بیان شد، بر خواست‌ها و نکات بسیار مهم دیگری نیز تأکید نمودند که نشانه درجه بالای آگاهی سیاسی و هوشیاری کارگران رسمی نفت است. کارگران رسمی نفت در بیانیه خود تأکید کردند دریافتی هیچ کارگری نباید از ۲۵ میلیون تومان کمتر باشد. کارگران رسمی نفت همچنین خواهان پایان دادن به امنیتی کردن مراکز کاری و به رسمیت شناخته شدن حق تشکل شدند. افزون بر این و مهم‌تر از این، کارگران رسمی از کارگران غیررسمی و مطالبات آن‌ها قویاً حمایت نموده، تلاش‌های طبقه حاکم برای ایجاد تفرقه و چنددستگی در میان کارگران نفت را افشا نموده و بر اتحاد مبارزاتی همه کارگران شاغل در نفت تأکید کرده‌اند.

کارگران رسمی در بیانیه خود می‌نویسند: "ما خواستار به رسمیت شناخته شدن حق تشکل و پایان دادن به امنیتی کردن مراکز کاری‌مان در نفت هستیم. همه میدانیم که بخش کوچکی از کارگران نفت رسمی هستند و بخش بزرگ آن به میدان چپاولگری‌های پیمانکاران و ایجاد تفرقه در صفوف ما کارگران تحت عناوین مختلف کارگر رسمی، پروژه‌ای پیمانی، قرارداد موقت، ارکان ثالثی، حجمی و ... تبدیل شده است.

در صفحه ۴

برخوردار بوده است، اقدام بسیار مهمی در روند رو به رشد مبارزه در نفت و نشانگر فرازهای جدیدی در مبارزه نفتگران است. اگرچه انسجام و سازمان‌یافتگی نسبی مبارزه در نفت از همان نخستین اقدام بزرگ کارکنان رسمی نفت در ۹ تیر سال ۹۹ و تجمع خیابانی صدها تن از شاغلین رسمی، در صفوفی منظم که از شهرهای مختلف راهی تهران شده و به نمایندگی از ۲۰ هزار تن از همکاران خود، هویدا بود و اعتصابات و تجمعات اعتراضی بعدی کارکنان رسمی نفت از جمله در اردیبهشت و خرداد سال ۱۴۰۰ نیز گویای همین واقعیت و حاکی از رشد درجه سازمان‌یافتگی در صفوف کارگران و کارکنان رسمی نفت بود، اما در اعتصاب اخیر فرازهای جدیدتری در برابر نفتگران گشوده شد. "شورای همبستگی کارکنان رسمی نفت" که فراخوان دهنده و سازمان دهنده اعتصاب است، دستاورد تشکیلاتی بسیار مهمی است که اعلام رسمی و علنی آن، رشد سازمان‌یافتگی و تشکل یابی کارگران و کارکنان و مبارزه در نفت از ۹۹ تاکنون را به نمایش می‌گذارد. خصوصیت



اعتصاب و تجمع کارکنان رسمی نفت در تیرماه سال ۹۹ فقط این نبود که مهر سکوت ۲۵ ساله در نفت را در هم شکست، تکانی بزرگ در نفت ایجاد کرد و سرمنشأ اعتصابات بزرگ فراگیر و سراسری کارگری در نفت شد، بلکه تمامی شواهد و استمرار مبارزه در نفت از ۹۹ به بعد، حاکی از این واقعیت است که کارگر نفت حال که بعد از ۲۵ سال سکوت تحمیلی پا به عرصه مبارزه علنی و توده‌ای گذاشته است، مصمم است تا پیروزی نهایی در صحنه نبرد بماند. وقتی که نفت پرچم مبارزه را به اهتزاز درآورد، شعاع آگاهی و مبارزه و نور امید را تا دورترین مناطق نفت و گاز و پتروشیمی و حفاری گسترش داد و جنبش طبقه کارگر را از شوق و امید لبریز کرد. طی دو سال گذشته کوشش‌های گوناگونی از جانب طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن به‌عمل آمده تا موقعیت پرسنل نفت به شرایط قبل از اعتصابات بازگردانده شود. بازداشت‌ها، تهدیدها، اخراج‌ها و تلاش برای بازسازی فضای شبه پادگانی و همزمان، وعده‌های رنگارنگ اما همگی برای تحمیل سکوت و سکون و بی‌عملی بر کارگران

داشت و اگر تا ۲۶ مرداد وزیر نفت یا معاونت توسعه مدیریت او به‌صورت رسمی تاریخ و نحوه اجرای ماده ۱۰ را اعلام نکند، کارکنان به همراه خانواده‌های خود دست به تجمع خواهند زد". اعتصاب که برای تحقق این خواست و خواست‌های دیگری مانند؛ بازگرداندن اضافات مالیاتی اخذشده، پرداخت کامل پاداش خدمت بازنشستگان، بهبود وضعیت بهداشت، غذا، غذاخوری، خوابگاه، امکانات زیستی و درمان رایگان و باکیفیت آغاز شد مطابق برنامه اعلام‌شده تا چند روز ادامه داشت. پرسنل رسمی نفت همچنین نسبت به استخدام‌ها و انتصابات فامیلی و پارتی‌بازی و ورود نیروها و مأموران برای کنترل فضای امنیتی مراکز کاری به‌شدت معترض‌اند. این اعتصاب که با تجمع کارگران و کارکنان رسمی و در دست گرفتن شعارنوشته‌هایی همراه بود به‌سرعت به بیش از ۴۵ واحد تسری یافت. مجتمع گاز پارس جنوبی عسلویه، نفت و گاز گچساران، دکل ۸۵ اهواز، پرسنل مناطق نفت‌خیز جنوب، پالایشگاه شماره ۲، ۳، ۴، ۷، ۸ و ۹ پارس جنوبی، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز شرق خان‌گیران سرخس، تأسیسات خط لوله سنجند، سکوی نفتی سروش در فلات قاره، نفت و گاز غرب منطقه نفت شهر، واحد بهره‌برداری بهرگان فلات قاره، پالایشگاه گاز پارسیان، واحد بهره‌برداری غرب کارون شرکت نفت و گاز اروندان، ایستگاه تزریق گاز شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون، کارکنان آتش‌نشانی منطقه عملیاتی نار و کنگان، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب منطقه چشمه خوش، منطقه عملیاتی تنگ بیجار ایلام نفت و گاز غرب، واحد کنترل و ابزار دقیق پالایشگاه کرمانشاه، سکوی نفتی بهرگان سر و تعداد دیگری از مراکز نفت و گاز و حفاری، که با آغازگر اعتصاب بودند و یا به فاصله بسیار کوتاهی به اعتصاب پیوستند.



اعتصاب هماهنگ و سراسری کارکنان رسمی نفت دردها مرکز نفت و گاز و حفاری که تا اینجا از انسجام و سازمان‌یافتگی بالایی

**زنده باد استقلال طبقاتی کارگران**

## اهتزاز چندباره پرچم اعتراض متشکل در نفت



را صادر کردم" (انرژی نیوز-۲۸ مرداد-۱۴۰۱). گویا ۸ سال نیز برای فراهم کردن "مقدمات" اجرای این قانون کافی نبوده است! کارگران رسمی و غیررسمی بارها گفته‌اند حداقل دستمزد هیچ کارگری نباید از ۲۵ میلیون تومان کمتر باشد. کارگران پیمانی مکرر خواهان ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت، برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری و بهبود شرایط کار به‌ویژه در گرمای طاقت‌فرسای فصل تابستان شده‌اند، اما وزارت نفت و شرکت‌های خصوصی و پیمانکاری تابعه آن، جز در موارد معدود و افزایش ناچیز دستمزد در این یا آن واحد، از پذیرش این خواست‌ها طفره رفته‌اند. درحالی‌که شاهد گرمزدگی گسترده کارگران نفت و گاز و حفاری و پتروشیمی در مناطق جنوبی کشور هستیم به‌نحوی که تاکنون صدها تن دچار گرمزدگی شده، ده‌ها تن به بیمارستان منتقل شده و چندین کارگر نیز بر اثر کار در گرمای بالای ۵۵ درجه جان خود را از دست داده‌اند، دولت و وزارت نفت آن حد یک تماشاجی فراتر نرفته‌اند و اوجی وزیر نفت نیز سرگرم دزدی و جابجایی مدیران و تقسیم پست‌های پردرآمد میان آشنایان خویش است.

عقب نشاندن وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آن، درگرو تشدید مبارزه و ایجاد پیوند میان کارگران رسمی و غیررسمی و سازمان‌دهی اعتصابات گسترده و متحدانه کارگران است. گام‌های اولیه اما بسیار خوبی در این راستا برداشته شده اما هنوز کافی نیست. در این زمینه بیش از این‌ها باید کار و تلاش کرد. این وظیفه قبل از هرکس بردوش کارگران آگاه و پیشرو هردو بخش است. فراتر از آن در پروسه مبارزات نفت، باید بتوان نوعی هماهنگی میان کارگران (اعم از رسمی یا غیررسمی) با کارمندان ایجاد کرد و جبهه همبستگی و اعتصاب را هرچه بیشتر تقویت کرد.

خوشبختانه کارگران نفت در زمینه ایجاد تشکل مستقل و فرا واحدی و هماهنگ‌کننده اعتصابات کارگران در بخش‌های مختلف نفت، تجارب گران‌بهایی دارند. تجاربی که سینه‌به‌سینه منتقل شده یا در شکل نوشتاری مکتوب شده‌اند. جنبش کارگری ایران فراموش نکرده است که کارگران نفت، توأم با رشد مبارزات توده‌ای علیه رژیم شاه، در نیمه اول سال ۵۷ کمیته‌های مخفی اعتصاب را در شهرها و بخش‌های مختلف نفت سازمان دادند که در جریان رشد مبارزات کارگران نفت، از پیوند همین کمیته‌ها، کمیته سراسری در نفت به وجود آمد که نقش عمده‌ای در مبارزات و اعتصابات سراسری کارگران نفت ایفا نمود. این کمیته چنانکه همگان می‌دانند، بعداً به شورای سراسری کارکنان نفت تبدیل شد که تا مدتی تمام امور شرکت نفت را تحت کنترل خود درآورد.

و غیرعلنی. تشکیل و اعلام موجودیت "شورای همبستگی کارکنان رسمی نفت" از این پس "شورای همبستگی" و "شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" از این پس "شورای سازمان‌دهی" هردو گام‌هایی به‌پیش محسوب می‌شوند گرچه تفاوت‌هایی نیز باهم دارند. صرف‌نظر از اینکه "شورای همبستگی" دربرگیرنده کارمندان و کارگران رسمی است و "شورای سازمان‌دهی" به‌طور خاص در رابطه با کارگران پروژه‌ای و پیمانی موجودیت یافت و حوزه عمل آن نیز همین کارگران است، اما مهم‌ترین تفاوت این دو تشکل، میزان حضور در محل کار و تولید، میزان و نحوه ارتباط با بنه است. از شواهد موجود چنین برمی‌آید که "شورای همبستگی" از ارتباط فعال وزنده‌ای با واحدهای مختلف برخوردار است و در محل کار حضور فعال دارد که نکته بسیار مهم و مثبتی است. این را می‌توان از نحوه اعلام و شروع اعتصاب در چندین واحد، مشخص بودن زمان و روزهای اعتصاب، تاریخ و نحوه خاتمه اعتصاب به‌سادگی تشخیص داد. در تمامی موارد یادشده از فراخوان اعتصاب تا شروع و ادامه و پایان اعتصاب هماهنگی کاملی وجود داشت و این، جز با حضور فعال "شورای همبستگی" در محل کار و تولید و ارتباط فعال وزنده با بنه نمی‌توانست میسر شود. برعکس، آنچه ما در اعتصابات کارگران پیمانی شاهد بودیم تا اندازه



زیادی با این متفاوت است. میدانیم که به‌رغم اعتصاب سراسری و شکوهمند کارگران پیمانی، "شورای سازمان‌دهی" نتوانست در این زمینه‌ها اقدام مؤثری انجام دهد و کل اعتصاب را از لحظه شروع و ادامه تا خاتمه آن در واحدهای مختلف هماهنگ کند. کارگران و کارمندان رسمی نفت به تجربه دریافته‌اند که پیگیری خواست‌ها از طریق مقامات دولتی و مجلس و امثال آن راه بجایی نمی‌برد و بیش‌ازپیش باید روی نیروی متشکل، اتحاد و مبارزه خود حساب کنند. کارگران و کارمندان رسمی نفت بارها ریز مطالبات خود را بیان کرده‌اند و در مرحله نخست خواهان اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت هستند که در تاریخ ۱۹ اردیبهشت سال ۹۱ تصویب شده و در یکم دی‌ماه سال ۹۳ برای اجرا ابلاغ شده است. اما وزارت نفت در تمام این سال‌ها از اجرای آن شانه خالی کرده است. پس از ۸ سال، جواد اوجی وزیر نفت می‌گوید "دستور فراهم کردن مقدمات اجرای ماده ۱۰ قانون نفت

بنابراین یک حلقه مهم در پایان دادن به تفرقه و شکاف در صفوف ما کارگران برچیده شدن بساط پیمانکاران در نفت و پایان دادن به قوانین برده‌وار مناطق ویژه اقتصادی در مراکز نفتی است. ما بر برخورداری همه کارگران شاغل در نفت از استاندارد کاری قابل‌قبول واحد و



برخورداری از یک زندگی شایسته انسان برای همه همکاران در سراسر نفت تأکید داریم. بعلاوه بخشی از مطالبات ما کارگران رسمی که به آن‌ها اشاره شد، به همه همکاران در بخش‌های مختلف مراکز نفتی چه قراردادی و چه رسمی مربوط است. ما بر اتحاد مبارزاتی همه بخش‌های کارگران شاغل در نفت تأکید داریم." کارگران رسمی در بیانیه خود همچنین نوشتند: "ما همین‌جا ضمن اعلام حمایت و همبستگی با خواست‌ها و مطالبات اعلام‌شده از سوی کارگران پروژه‌ای پیمانی و داربست‌بندان که مدتی است در اعتراض‌اند و دیگر بخش‌های همکاران شاغل خود در نفت بر اتحاد و همبستگی مبارزاتی همه بخش‌های کارگری در نفت تأکید داریم." (تأکید از ماست)

ضرورت میرم اتحاد کارگران رسمی و غیررسمی اعم از پروژه‌ای و پیمانی یا قرارداد موقت و مدت معین، همواره از سوی کارگران پیمانی یادآوری و بر آن تأکید شده است. دست اتحاد، بارها از سوی کارگران پیمانی به‌طرف کارگران رسمی دراز شده و اهمیت اتحاد و مبارزه متشکل و واحد کارگران نفت توضیح داده شده است. گرچه در سوی دیگر، مخالفتی با این پیشنهاد دیده نشده، اما تا کنون موضع‌گیری علنی و شفافیتی در این زمینه دیده نشده و مهم‌تر از آن، گام عملی مشخصی در این راستا برداشته نشده است. با این بیانیه، کارگر رسمی نفت به چنین ضرورتی پاسخ مشخص داده و دستی را که کارگر پیمانی به سویش دراز کرده بود، با رفاقت کارگری فشرده و این گام مهمی در راستای سازمان‌دهی اعتصاب کل کارگران نفت است.

کارگران رسمی نفت در بیانیه مورخ ۱۵ تیر خود هشدار داده بودند که اگر تا ۵ مرداد به خواست‌هایشان رسیدگی نشود وارد اعتصاب سراسری خواهند شد و چنین نیز کردند. در اعتصاب کارگران رسمی گرچه صحبت از تشکل خاصی به میان نیامده است اما خیلی روشن است که کارگران رسمی نفت تشکل فرا واحدی خاص خودشان را دارند هرچند نام و مشخصات چنین تشکلی درجایی به‌صورت علنی اعلام نشده باشد و اعلام نشده است، اما تمام شواهد از جمله صدور بیانیه‌های مؤثر نشان‌دهنده وجود و فعالیت چنین تشکلی است ولو در شکل نطفه‌ای

## شهرهایی با مردمانی تشنه

اعتراضات روزانه مردم در برابر استانداری وزیر نیرو را وادار ساخت تا ۲۳ مرداد به این شهر رفته و قول دهد که در دو روز آینده مشکل برطرف می‌شود. دو روز گذشت اما تغییری رخ نداد و مردم از روز سه‌شنبه ۲۵ مرداد خشمگین‌تر از روزهای قبل و با شعارهایی رادیکال‌تر از روزهای گذشته مانند "مرگ بر رئیسی" به خیابان آمدند.

معضل آب، چه آب آشامیدنی و چه آب کشاورزی، تقریباً تمام کشور را فرا گرفته است. براساس مطالعات متخصصان امور آب چه در سطح کشور و چه در سطح بین‌الملل، ایران به تنش شدید آبی بسیار نزدیک شده و بیابان در حال گسترش است. همچنین فرونشست زمین در اثر استفاده بیش از حد از آب‌های زیرزمینی که گفته می‌شود ۳ برابر استاندارد جهانی است، در برخی از شهرها از جمله تهران و اصفهان این معضل به بمب ساعتی تشبیه شده که می‌تواند به فجایع بزرگی منجر گردد.

به‌گفته‌ی مدیرعامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب ایران (۲۷ خرداد)، ۲۷۲ شهر ایران با "تنش آبی" روبه‌روست و آب آشامیدنی نزدیک به هفت هزار روستا نیز از طریق تانکرهای آبرسانی سیار تامین می‌شود.

براساس اخبار منتشره به‌غیر از شهرکرد، شهرهای دیگری نیز با قطعی آب روبرو هستند و به‌نظر می‌آید که با توجه به کمبود آب در پشت سداها، بر تعداد این شهرها در روزهای آینده افزوده شود. شهرهای همدان و ارومیه از جمله شهرهایی هستند که در روزهای گذشته شاهد کاهش فشار آب و قطعی آب در برخی از ساعات روز بودند. در همدان نیز به دلیل کاهش شدید آب سد اکباتان بعد از آن که روزها مردم با قطعی آب در ساعاتی از روز و شب روبرو بودند، از روز شنبه آب جبریندی شد و به برخی مناطق نیز با تانکر آبرسانی می‌شود، این در حالی‌ست که رئیسی در به‌اصطلاح سفرهای استانی خود به مردم همدان قول داده بود که مشکل آب شهر یزودی حل خواهد شد.

همچنین بسیاری از محصولات کشاورزی، حاصل کار و تلاش کشاورزان زحمتکش کشور، به دلیل نبود آب در حال نابودی هستند. در شبکه‌های اجتماعی فیلمی از زمین‌های کشاورزی شهر لنجان در استان اصفهان منتشر گردید که نشان می‌دهد محصولات کشاورزی منطقه به دلیل نبود آب در حال خشک شدن و از بین رفتن هستند. براساس آمارهای رسمی طی یک سال گذشته حدود ۵۰۰ هزار نفر از نیروی کار بخش کشاورزی به دلیل خشک شدن زمین‌ها و نبود آب کاسته شده و با این روند بدون تردید در سال جاری باز هم از تعداد نیروی کار در این بخش کاسته خواهد شد. کشاورزان و کارگران کشاورزی نیز برای کسب لقمه‌ای نان مجبور به رانده شدن به حاشیه شهرها می‌گردند. هم‌اکنون میزان آب موجود در سدهای کشور تنها ۴۶ درصد ظرفیت آن‌هاست. به عبارت دیگر بیش از نیمی از ظرفیت ذخیره آب سدها خالی است. در سال گذشته نیز شاهد اعتراضات توده‌ای فراوانی به قطع آب آشامیدنی و کشاورزی بودیم.

۲۴ تیرماه سال گذشته اعتراضات مردم اهواز به نبود آب، با فریاد "ما تشنه هستیم" شروع شد و با شعار "مرگ بر خامنه‌ای" به سرعت به دیگر شهرهای خوزستان و از آن‌جا به بیش از ۱۵ استان کشور از جمله تهران رسید. حکومت اسلامی نیز به جای آب به سمت مردم گلوله شلیک کرد، تعدادی را به خاک و خون کشید و تعداد باز هم بیشتری را به زندان انداخت. کشاورزان اصفهان نیز در آبان ماه سال گذشته بر بستر خشکیده زاینده‌رود چادر زده و روزها دست به اعتراض زدند که مردم اصفهان نیز به حمایت از آن‌ها برخاستند تا عاقبت نیروهای یگان ویژه با آتش‌زدن چادرها به جان کشاورزان و مردم اصفهان افتاده و با شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای تعدادی را زخمی و حتی چند نفر را کور کردند.

واقعیت این است که معضل آب سال به سال بدتر و بزرگتر می‌شود و تمام وعده‌های حاکمان دزد و فاسد جمهوری اسلامی چیزی جز سردواندن مردم نیست. یک نمونه واضح از بی‌تفاوتی رژیم، بی‌آبی مردم ستمدیده‌ی سیستان و بلوچستان است که سال‌هاست تامین آب شرب برای بخش بزرگی از مردم منطقه به معضل بزرگی تبدیل شده و سالانه تعدادی قربانی نیز می‌گیرد. این در حالی‌ست که با انجام پروژه‌هایی که چندان هزینه‌بر نیستند، حکومت می‌توانست این معضل بزرگ را حداقل در حد آب آشامیدنی مردم محروم این منطقه حل کند. به اعتراف سعیدی نماینده مجلس اسلامی از چابهار، سالانه میلیون‌ها متر مکعب آب به دنبال بارندگی‌ها به دریا می‌ریزد در حالی که تنها ایجاد یک بند بتنی در مسیر رودخانه "اباهو" می‌تواند حداقل یک میلیون متر مکعب از این آب را ذخیره کند. و صد البته امکانات بسیار دیگری نیز برای مهار آب‌ها وجود دارد، اما مسأله این است که سیاست رژیم جمهوری اسلامی این نیست، همان‌طور که در امور آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، جاده‌ها، گردوغبار، ووو این نیست.

برای نمونه همین شهرکرد که در اثر سیل و شما بخوانید "بارش بارانی که در اثر سیاست‌های رژیم به سیل تبدیل شد" ۱۲ روز است که از آب آشامیدنی محروم شده است. یکی از همین عوامل رژیم که مدیرکل استاندارد چهارمحال و بختیاری است و اگر مزدور نبود به مدیرکلی انتخاب نمی‌شد، می‌گوید: "یافته‌های یک مطالعه که به سفارش وزارت نیرو در سال ۹۸ انجام شد، ناپایداری منابع آب شهرکرد را مورد تاکید قرار داد و پیشنهاد کرد یک تصفیه‌خانه مجهز در مسیر انتقال آب از کوهرنگ به شهرکرد احداث شود. حال پرسش اساسی و مهم این است که چرا از انجام این کار مهم و اساسی غفلت شده است؟". همین نمونه کافی‌ست تا نشان دهد چه بر سر این کشور آمده و چه هیولاهای فاسدی بر کشور حکومت می‌کنند. مرکز استان، مردم استانی که سرچشمه رودهایی همچون کرخه، دز و زاینده‌رود است، از آب آشامیدنی محروم هستند چرا که این استان یک تصفیه‌خانه مجهز ندارد. پس این همه پول نفت و گاز چه شد؟ درآمدهای هنگفت پتروشیمی‌ها و صنایع فولاد و

غیره به جیب چه کسانی رفت؟! در مورد همدان نیز همین است. بیش از ۱۵ سال از آغاز به کار طرح انتقال آب از سد "تالوار" به همدان می‌گذرد، اما بعد از ۱۵ سال پیشرفت این طرح ۴۰ درصد اعلام شده است!! شهرهای دیگر نیز همین وضع را دارند.

معضل اما تنها همین چیزها نیست. سیستم فرسوده انتقال آب، از کیفیت آب آشامیدنی اکثر نقاط کشور به شدت کاسته و گاه اساساً غیرقابل استفاده است. جدا از آن‌که آب بسیاری نیز به دلیل فرسودگی از بین می‌رود. همین مسأله را در مورد برق هم داریم.

ما با حکومتی روبرو هستیم که مغول‌وار حکومت می‌کند و گویا می‌خواهد بعد از خود جز زمین سوخته چیزی بر جا نماند. فساد نیز ریشه در ساختار حکومت دارد و تا این حکومت بر سریر قدرت است، فساد از آن جدا شدنی نیست. یک علت فساد دیکتاتوری فردی حاکم است، ریشه دوم فساد دولت مذهبی است و ریشه سوم رانت نفتی. هر کدام از این علت‌ها می‌تواند به‌تنهایی عامل بزرگترین فسادها شود، همان‌طور که در زمان حکومت پهلوی نیز شاهد بودیم. در جمهوری اسلامی اما هر سه عامل حی همین زمینه برای بیان عمق فاجعه در این کشور کافی هستند. به‌اعتراف مقامات حکومتی تاکنون ۱۵ هزار میلیارد تومان برای احیای دریاچه ارومیه هزینه شده است. جدا از این مبلغ، دولت ژاپن برای احیای دریاچه ۱۰ میلیون دلار کمک کرده است. اما حاصل کار منفی بوده است یعنی دریاچه ارومیه به خشکی کامل نزدیک شده است که می‌تواند به یک فاجعه زیست محیطی تبدیل شود. پیش از این شاهد خشک کردن عمدی قسمت‌های بزرگی از تالاب هورالعظیم برای استخراج نفت بودیم که منجر به فاجعه زیست محیطی در خوزستان شد، استانی که از نظر تولید ناخالص داخلی در رتبه دوم کشور قرار دارد، اما مردم آن دارای بالاترین میزان بیکاری هستند و فقر در آن‌جا بیداد می‌کند، نه آب دارند، نه برق و گردوغبار هم همهمان همیشگی‌شان است. همین چندی پیش بود که مردم شهر "صیدون" باغملک در خوزستان در اعتراض به قطع مکرر برق به خیابان آمده و علیه حکومت فریاد برآوردند، آن‌هم در گرمای ۵۰ درجه.

یک نمونه دیگر بالا کشیدن وام بانک جهانی برای حل معضل فاضلاب اهواز بود. از ۱۵۰ میلیون دلار پول وام بانک جهانی حتا یک سنت هم برای حل معضل فاضلاب اهواز خرج نشد و این شد که با یک باران ساده در اهواز فاضلاب بالا آمده و سطح شهر را آلوده و غیرقابل تحمل می‌کند. برآستی از حکومتی که کمک دولت ژاپن و یا وام بانک جهانی را بالا می‌کشد، می‌توان انتظار داشت که از بودجه برای این مردم خرج کند؟ و فراموش نکنیم که تمام منابع درآمدی این بودجه مستقیم و غیرمستقیم حاصل کار و تلاش کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه است.

عجب آن‌که در این وضعیت که مردم شهرکرد به‌خاطر "سیل" از آب آشامیدنی محروم شده‌اند، سازمان هواشناسی مرتب هشدار بارش و سیل در ۹ استان از جمله چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان و بلوچستان را صادر می‌کند.

## شهرهایی با مردمانی تشنه

هشدارهایی که خشم مردم را از بی‌ایقتی و فساد سیستماتیک جمهوری اسلامی افزون می‌کند. جمهوری اسلامی وارد ۴۴مین سال موجودیت خود شده است. در این ۴۴ سال نه تنها مشکلی از مشکلات مردم حل نشد، بلکه هم مشکلات گذشته از جمله فقر بسیار شدیدتر شد و هم دهها مشکل و معضل دیگر به مشکلات و معضلات مردم افزوده شد.

معضلاتی چون آب، برق، گردوغبار و وضعیت فاجعه‌بار درمان و آموزش و پرورش، کشتار مردم در جاده‌ها، بیکاری، مسکن و غیره را نمی‌توان با شعار و وعده حل کرد. اگر قرار بود با شعار و وعده این معضلات حل و از درد مردمان ستم‌دیدهی کشور کم شود، بعد از گذشت ۴۴ سال می‌بایست دیگر معضلی باقی نمی‌ماند. برای حل این معضلات برنامه‌ریزی لازم است و برای اجرای برنامه نیز باید هزینه کرد. اما جمهوری اسلامی سال از پی سال از اختصاص هزینه‌ها به اموری که ضروری و مبرم‌اند، کم می‌کند. هم اکنون بودجه سازمان محیط زیست از بسیاری از حوزه‌های علمیه و دیگر نان‌خانه‌هایی که به نام تبلیغات مذهبی و غیره باز شده‌اند، کمتر است. بودجه این سازمان تنها حقوق کارمندان است و بس. همان‌طور که در آموزش و پرورش چنین است.

اما در عوض جمهوری اسلامی آماده است تا نفت مجانی به حزب‌الله لبنان بدهد. هزینه‌ی دستگاه نظامی پر زرق و برقش بکند. هزینه سال‌ها جنگ در سوریه و یمن را بر دوش کارگران و زحمتکشان ایران بیاندازد.

جمهوری اسلامی همچنین شکاف طبقاتی را به حد اعلای خود رسانده. در سویی اقلیتی بسیار ناچیز از افرادی که در حکومت حضور دارند و یا ارتباطاتی با حکومت در رده‌های گوناگون دارند هستند که با استفاده از سیستم حاکم از جمله فساد و رانت به ثروت‌های افسانه‌ای دست یافته‌اند و در سوی دیگر مردمی قرار دارند که از آب آشامیدنی محروم هستند و به زحمت پول نان‌شان را تهیه می‌کنند. در همین خوزستان خانواده‌هایی هستند که تنها ممر درآمدشان همان یارانه‌های ناچیزی است که می‌گیرند. در بلوچستان خیلی از مردم از همین هم محروم هستند چرا که هیچ وقت شناسنامه نداشتند.

واقعیت این است که وضعیت کنونی برخلاف تبلیغات برخی رسانه‌ها و به اصطلاح متخصصان، محصول بی‌ایقتی این مدیر و آن مدیر و یا محصول عدم کارایی این رئیس جمهور و کابینه و یا آن رئیس جمهور و کابینه نیست، این وضعیت ریشه در سیستم حاکم دارد که یکی از وحشیانه‌ترین اشکال مناسبات سرمایه‌داری را به نمایش درآورده است. به همین دلیل هم تا زمانی که این مناسبات از اساس دگرگون نشود، چیزی تغییر نخواهد کرد.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**

## آمستردام - برگزاری مراسم یادمان جان‌فشانان دهه شصت و به‌ویژه سال ۶۷

سیلیسی و مبارزات تودهای در ایران قرائت کردند. همچنین اسامی بیش از ۴ هزار تن از زندانیان سیاسی که در دهه شصت اعدام شدند، روی پلرچه نوشته و بر سنگفرش‌های میدان اصلی شهر پهن شده بود. به پاسداری سنت مدرن خورن، سیدهبلی از گل‌های پرپر شده روی اسامی و عکس‌های جانباختگان پخش شد.

بخش دیگر برنامه به برپایی غرفه‌ای از کارهای دستی زندانیان سیاسی اختصاص داشت. استقبال از این غرفه بسیار چشمگیر بود. یکی از بازدیدکنندگان هلندی این کارها را به کارهای دستی پدر بزرگ خود در مخفی گاه‌های جنگ جهانی دوم تشبیه می‌کرد. همچنین حضور و مشارکت وسیع و فعل رفقای زن در این برنامه بسیار پررنگ بود.



روز شنبه ۲۰ اوت کمیته برگزارکننده یادمان جان‌فشانان دهه شصت، مراسم با شکوهی در میدان دام - آمستردام برگزار کرد که با استقبال وسیع روبرو شد.

حضور و مشارکت نیروهای مترقی هلندی، آرژانتینی و ترک چشمگیر بود. تنی چند از زندانیان سیاسی سابق از آرژانتین و ترکیه پیام‌های در همبستگی با زندانیان



فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند

از صفحه ۲

## توافق صورت گرفت. بعد چه؟

همچون گرگان گرسنه دهان باز کرده‌اند. تجربه چندین دهه گذشته، به همگان نشان داده است هر آنچه هم که درآمد دولت از فروش نفت و مشتقات آن افزایش یابد، چیزی عاید توده‌های کارگر و زحمتکش نخواهد شد. بیاد آوریم که چند سال پیش درآمد سالانه دولت از فروش نفت، از ۱۴۰ میلیارد دلار نیز گذشت، اما آب و نان خشک و خالی مردم هم تامین نشد.

نکته آخر این‌که نه احیای برجام، نه افزایش درآمد دولت از فروش نفت و نه تلاش قدرت‌های امپریالیست و انحصارات جهانی، هیچ‌یک قادر نخواهد بود نظم حاکم بر ایران و رژیم سیاسی پاسدار آن را که سرتاپای آن‌ها را بحران‌های عمیق و ریشه‌دار فراگرفته است از فروپاشی نجات دهند. این بحران‌ها انعکاسی از گندیدگی نظامی هستند که جز تغییر راحلی برای آن متصور نیست. طبقه حاکم هر تلاشی هم که بکند نمی‌تواند بحران‌ها را حل و به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. توده‌های کارگر و زحمتکش نیز آشکارا نشان داده‌اند که دیگر این نظم را تحمل نخواهند کرد. راهی برای غلبه بر بحران‌های علاج‌ناپذیر موجود و نجات از وضع فلاکت‌بار کنونی، جز تشدید مبارزه برای سرنگونی نظم پوسیده و استقرار نظم نوین در سیمای یک حکومت شورایی وجود ندارد. برای تحقق آن بر دامنه تلاش و مبارزه بیفزاییم.

برجام، کشورهای اروپایی می‌پزند. روسیه و چین هم از لغو تحریم‌های اقتصادی و بانکی دولت آمریکا نفع می‌برند، چون به‌رحال این تحریم‌ها مانعی در گسترش مناسبات اقتصادی آن‌ها با جمهوری اسلامی ایجاد کرده بود. اما طرف دیگری که از این معامله سود خواهد برد، همان‌گونه که اشاره شد، جمهوری اسلامی است که در ۴ سال گذشته به‌رغم تحمیل بار اصلی تحریم بر دوش توده‌های زحمتکش مردم، خودش هم از نظر مالی در مصیقه قرار گرفته بود. در وهله نخست چنین به نظر می‌رسد که درآمد دولت از محل صادرات نفت، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی در سال جاری به دو برابر افزایش خواهد یافت و به رقمی حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیارد دلار خواهد رسید. این درآمد هنگفت در کجا هزینه خواهد شد؟ دولت اکنون سال‌هاست که با بحران مالی روبه‌روست. هم‌اکنون بودجه سال جاری رقمی دستکم حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان کسری دارد. بخش بزرگی از این درآمد هنگفت صرف هزینه‌های کلان دستگاه دولتی انگل با چندین میلیون حقوق‌گیر خواهد شد. دست رژیم برای هزینه‌های نظامی، کمک به دولت‌های طرفدار خود و گروه‌های مسلح اسلام‌گرا و ماجراجویی‌های خارجی باز تر خواهد شد. آنچه باقی خواهد ماند نیز به جیب سرمایه‌داران و دزدان دستگاه بوروکراتیک - نظامی و مذهبی خواهد رفت که از هم‌اکنون

## مبارزات زنان ادامه دارد، شکست های دیگری برای رژیم در راه است

همکاری دیگر نهادهای سرکوبگر رژیم با ستاد امر به معروف و نهی از منکر، بلکه مقاومت و مبارزات پیگیر و قهرمانانه زنان ایران طی چهار دهه گذشته بوده است.

مبارزات زنان علیه تبعیض و بی حقوقی و نابرابری های جنسیتی، امر دیرروز و امروز نیست. این مبارزه از همان آغاز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در مقابله با فرمان خمینی مبنی بر تحمیل حجاب اجباری بر زنان آغاز شد. فرمانی سرکوبگرانه، که به تدریج با اعمال ستم و بی حقوقی و دیگر تبعیضات جنسیتی بر تمام شئون زندگی زنان تسری یافت و آنان را به شهروندان درجه دو تبدیل کرد. مبارزه زنان علیه حجاب اجباری از همان بدو به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، نقطه آغازی بر کشاکش دائمی زنان ایران علیه ستم، سرکوب و تبعیضات جنسیتی اعمال شده بر آنان شد. مبارزه ای که به رغم سرکوب عریان زنان، هرگز متوقف نشد و طی بیش از چهار دهه به اشکال مختلف ادامه یافت. مبارزه ای سخت و قهرمانانه که از دی ماه ۹۶ با نفی حجاب اجباری توسط "دختران خیابان انقلاب"، شتاب گرفت و اکنون با گسترش کارزار "حجاب بی حجاب"، در گستره ای به وسعت ایران در مقابل جمهوری اسلامی قد برافراشته است.

از آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی و اعلام فرمان خمینی مبنی بر اجباری شدن حجاب که منجر به اعتراض تاریخی زنان در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ شد، بیش از چهار دهه گذشته است. در این سال ها، مبارزات زنان علیه حجاب اسلامی بی وقفه ادامه یافت و اکنون به مرحله ای از رشد و گستردگی و رادیکالیسم رسیده که جمهوری اسلامی را به شکست و استیصال کشانده است. هیئت حاکمه ایران اما به رغم پذیرش شکست خفت بار تحمیل پوشش اجباری، همچنان سودای سرکوب زنان را در سر دارد. از آنجا که موضوع حجاب اجباری با خصلت دینی دولت و موجودیت جمهوری اسلامی گره خورده است، ارتجاع حاکم هرگز از تحمیل پوشش اجباری بر زنان - حتی اگر فقط نامی از آن باقی مانده باشد - دست بر نخواهد داشت. از این رو، جمهوری اسلامی به رغم پذیرش ناکامی و اعتراف به شکست در امر پیشبرد تاکتونی سیاست حجاب اجباری، همچنان بر تداوم این سیاست شکست خورده با اجرای طرحی تازه تاکید دارد. طرحی که فصل محوری آن بر جریمه نقدی زنان "متخلف" استوار است. پروژه ای که به گفته دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر قرار نیست "سختگیری بر زنان" کاهش یابد، بلکه فقط اجرای آن به جای گله های گشت ارشاد و نیروی انتظامی، به افراد و مدیران موسسات خصوصی و دولتی واگذار خواهد شد.

"اعمال سیاست تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی و بهداشتی، نظارت مدیران آموزشی و بیمارستان ها بر حجاب کارکنان، انفصال مدیران متخلف به مدت ۱ تا ۵ سال و حتی تعیین مجازات حبس و جریمه نقدی ۸ تا ۱۸ میلیون تومان، تعیین جریمه برای پلاک خانه هایی که

افراد بد حجاب به آن ها رفت و آمد می کنند، جریمه مدیران ساختمان و مجتمع ها به خاطر بد حجابی ساکنان، محرومیت از یک یا چند حقوق اجتماعی به خاطر انتشار عکس بی حجاب در فضای مجازی و بالاخره مجازات ۹۱ روز تادو سال زندان برای افرادی که علیه حجاب اسلامی در فضای مجازی تبلیغ کنند"، از جمله بندهای اصلی این دست پخت جدید ستاد امر به معروف و نهی از منکر است. طرحی که بند اول آن در مشهد، با جداسازی، جریمه کردن و تهدید به اخراج زنان کارمند و در شیراز با حذف رشته موسیقی برای دختران دانش آموز، شروع شده است.

به رغم اینکه شرایط انقلابی موجود در جامعه راه را بر اجرای اینگونه پروژه های سرکوبگرانه ای بسته است، و به رغم اینکه گسترش مبارزات جاری زنان بر عملی شدن اینگونه پروژه های ارتجاعی خط بطلان کشیده است، اما جمهوری اسلامی و ستاد امر به معروف و نهی از منکر آن، همچنان از تب و تاب نیفتاده و برای رسیدن به اهداف معینی به شیوه های جدیدی از سرکوب زنان روی آورده اند.

نخست اینکه جمهوری اسلامی به دلیل "نگرانی از ایجاد تنش و ناآرامی های اجتماعی" که مدام در حال افزایش است، برای رهایی از بی آبرویی بیشتر در صدد است تا گشت ارشاد و نیروی انتظامی را از میدان رویارویی مستقیم با زنان و مردان جامعه بدور سازد و به جای آن، بخشی از "مردم" و "مدیران موسسات" را در مقابل زنان بگذارد. مستثنی از اینکه اجرای این طرح دست کم در شرایط کنونی جامعه شدنی نیست و شکست آن همانند طرح های قبلی ستاد "عفاف و حجاب" از هم اکنون قطعی است، اما علت و چرایی روی آوری رژیم به این طرح جدید را می توان فهمید.

طی ماه های گذشته، مقاومت قهرمانانه زنان و انتشار گسترده ویدئوهای منتشر شده از رفتار خشونت بار گشت ارشاد و نیروی انتظامی با زنان، خشم و نفرت عمومی جامعه را علیه جمهوری اسلامی بر انگیزده است. موضوعی که تداوم آن، ارتجاع حاکم را به وحشت انداخته و هیئت حاکمه را بر آن داشته تا از جنگ خیابانی مستقیم با انبوه زنان "بی حجاب" در کوچه و خیابان و محلات پرهیز کند.

نکته دوم، هدایت و کشاندن سیاست سرکوب زنان "متخلف" و مخالف حجاب اجباری از کوچه و خیابان به داخل محیط های در بسته ی موسسات دولتی و خصوصی است. اقدامی که هدف غایی آن، درگیرکردن پاره ای از افراد و مدیران موسسات دولتی و خصوصی با زنان مخالف حجاب اجباری است. نکته سوم، خالی بودن خزانه دولت است. با اجرای این طرح که مبنای آن بر جریمه نقدی تا ۷۰۰ هزار تومان برای زنان "متخلف" و ۸ تا ۱۸ میلیون تومان برای مدیران "متخلف" تنظیم شده است، از یک سو هزینه مالی و سیاسی دستگاه قضایی در بازداشت و نگهداری زنان در زندان کاهش می یابد و از سوی دیگر با اعمال جریمه های سنگین نقدی، راه کسب درآمدی برای دولت و تامین بودجه برای ستاد امر به معروف و نهی از منکر باز می شود. چرا که به گفته هاشمی گلپایگانی، همه جریمه های نقدی دریافت شده از اجرای این پروژه جدید، قرار است به حساب ستاد امر به معروف ریخته شود. هدف چهارم هم، اعمال فشار بر فعالین شبکه های مجازی و انبوه کسانی است که با دست به دست کردن ویدئوهای سرکوب زنان، عرصه را بر سرکوبگران جمهوری اسلامی و دستگاه های تبلیغاتی آن تنگ کرده اند.

مبارزات قهرمانانه زنان ایران، اگر چه در لحظه کنونی با شعار "حجاب بی حجاب" بر مطالبه نفی پوشش اجباری متمرکز است، اما فراموش نباید کرد که جدال واقعی زنان با دولت دینی حاکم بر ایران بسی فراتر از موضوع نفی حجاب اجباری است. جمهوری اسلامی طی ۴۶ سال گذشته، علاوه بر تحمیل پوشش اجباری، ستم و بی حقوقی مطلق زنان را در جامعه نهادینه کرده است. هیئت حاکمه ایران با سرکوب عریان زنان و وضع قوانین شرعی، نابرابری و تبعیضات جنسیتی بی حد و حصری را بر تمام شئون زندگی آنان بیست داده است. حال در چنین وضعیتی، روشن است که جدال زنان بر سر نفی حجاب اجباری تنها یک عرصه از مبارزات مستمر آنان با ارتجاع حاکم است. پوشیده نیست، مبارزات خستگی ناپذیر زنان، برای رهایی کامل از ستم، نابرابری، بی حقوقی و تمامی تبعیضات جنسیتی تحمیل شده بر آنان، مبارزه ای پیگیر و ادامه دار است. مبارزه ای که روز به روز شکوفاتر می شود و شکست های دیگری را برای رژیم رقم خواهد زد. مبارزه ای بی امان و قهرمانانه که تا سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان، استمرار خواهد داشت.

### تصحیح و پوزش

در نشریه کار شماره ۹۸۲ مقاله "برجان مرگ آفرینان آتش اندازیم" صفحه ۷ ستون دوم سطر ۳۶ جمله به شکل زیر اصلاح می شود:

در این سال روزانه ۲۸۸ نفر اقدام به خودکشی نموده اند (۱۰۵ هزار و ۱۲۰ نفر در سال) و هر یک روز، ۱۶ نفر از اقدام کنندگان جان خود را از دست داده است (۵۸۴۰ نفر در سال) در نشریه کار شماره ۹۸۳ صفحه ۴، ده سطر مانده به پایان ستون اول جمله "و روح الله حسینیان، وزیر اطلاعات دوران ریاست جمهوری رفسنجانی" حذف می شود و این جمله به شرح زیر اصلاح می شود: "پیش از این نیز ابراهیم رئیسی، مصطفی پورمحمدی دو عضو دیگر "هیئت مرگ" نیز با تکرار اراجیفی از این دست سعی کرده بودند تا گریبان خود و جمهوری اسلامی را از تبعات فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی رها سازند."

## مبارزات زنان ادامه دارد، شکست های دیگری برای رژیم در راه است

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 984 August 2022

اعلام شکست این طرح متوقف نشد و او در ادامه سخنان خود، زوایایی از شکاف و کشمکش های درونی نهادهای مختلف رژیم بر سر پیشبرد طرح "عفاف و حجاب" را نیز بر ملا کرد. او، با انتقاد از صدا و سیما گفت: "متأسفانه در دهه احیای امر به معروف، صدا و سیما با ستاد همکاری نکرد، حتی فیلم یا کلیپی در این مدت با موضوع امر به معروف درست نکرد." و لذا، عدم همکاری صدا و سیما و دیگر نهادهای مربوطه با ستاد امر به معروف را باعث شکست اجرای طرح "عفاف و حجاب" در جامعه معرفی کرد.

بی تردید، برچیده شدن گله های گشت ارشاد از کف خیابان ها یک دستاورد بزرگ برای زنان ایران است. اما، آنچه این دستاورد بزرگ را برای جنبش مبارزاتی زنان رقم زد، نه عدم

در صفحه ۷

امر به معروف و نهی از منکر برای کاهش سنگینی این شکست، با وعده اجرای طرح جدیدی از "عفاف و حجاب" بر ادامه سرکوب زنان تأکید کرد. پروژه جدیدی که قرار است اجرای آن به جای گله های گشت ارشاد به افراد و مدیران موسسات دولتی و خصوصی در محل کار واگذار شود.

هاشمی گلپایگانی در توضیح طرح جدید مقابله با "بدحجابی" و اینکه چرا این طرح در درون موسسات اجرا خواهد شد، گفت: در شرایط فعلی اقتصادی و مشکلاتی که مردم دارند، مسئولان به خاطر "نگرانی از ایجاد تنش و ناآرامی های اجتماعی" نمی خواهند با مسئله "عفاف و حجاب" برخورد خیابانی کنند و لذا در اجرای طرح جدید از "برچیده شدن گشت ارشاد" هم سخن گفت.

البته سخنان هاشمی گلپایگانی، فقط در محدوده



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان های زحمتکش، شریف و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

## اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و اینترنتی شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین وسیله به اطلاع شما می رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون اینترنتی شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیس بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی اینترنتی شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

**Alternative Shorai**

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: [shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org>, <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora, تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی